

فرامطالعه پژوهش‌های تأمین اجتماعی در ایران^۱

زهرة شهبازی^۲

چکیده

هدف: مطالعه نظام‌مند پژوهش‌های متعدد موجود که جنبه‌های مختلف تأمین اجتماعی را به صورت پراکنده بررسی نموده‌اند، می‌تواند نقشه دانشی تأمین اجتماعی در داخل کشور را ترسیم نماید. هدف این مقاله ترسیم دانش موضوعی تأمین اجتماعی از طریق بررسی ویژگی‌های دانش انباشته آن از نظر شکلی، روشی و محتوایی، همچنین ارزیابی قدرت تبیین‌کنندگی رویکردهای نظری مورد استفاده در مطالعات می‌باشد.

روش: روش به کار گرفته شده کیفی از نوع فرامطالعه است که پژوهش‌های مرتبط با نظام تأمین اجتماعی بازخوانی و دسته‌بندی شده‌اند.

یافته‌ها: مطابق یافته‌ها؛ ۱۷۰ مقاله در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۸ به تأمین اجتماعی پرداخته‌اند، متخصصان حوزه اقتصادی و حقوقی به ترتیب بیشترین توجه را به این موضوع داشته‌اند. ۳۴/۹ درصد با رویکرد کیفی و ۶۵/۱ درصد با رویکرد کمی به بررسی موضوعات مورد نظر پرداخته‌اند. تحلیل نظری این مفهوم در مطالعات داخلی تقلیل‌گرایانه است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد تأمین اجتماعی به مثابه ابزار برقراری دموکراسی، ابزار بازتوزیع درآمد و ابزار اعمال کنترل نرم بر ساخت اجتماعی از حیث نظری قابل تبیین است. در ایران نیز تأمین اجتماعی غالباً ابزار مفهومی در درون گفتمان مدرنیزاسیون است و به مثابه سازه گفتمانی که مورد پرسش هستی‌شناسانه قرار گیرد، در نظر گرفته نشده است، بلکه تأمین اجتماعی یک ثابت تاریخی است که رویدادها و ویژگی‌های بستری که در آن ظهور و بروز داشته، حتی در مطالعات تاریخی آن نادیده گرفته شده و وضعیت تاریخی آن با نظریه‌های موجود تطبیق داده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تأمین اجتماعی، سیاست اجتماعی، فرامطالعه، پژوهش

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تحلیل نظام تأمین اجتماعی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران» است که با حمایت مالی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی انجام شده است.

۲. دکتری جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی، عضو هیئت علمی گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی
shahbazi@acecr.ac.ir

۱. مقدمه

تأمین اجتماعی به مثابه زیرمجموعه‌ای از رفاه اجتماعی و ابزاری برای سیاست اجتماعی در سازمان بین‌المللی کار^۱ (۲۰۱۴)، حمایت جامعه در برابر قطع یا کاهش شدید درآمد افراد در اثر بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، بیکاری، از کارافتادگی، سالمندی و فوت، افزایش درمان و نگهداری تعریف می‌شود. شکل‌گیری این مفهوم ناشی از نیاز به حمایت از طبقه کارگر نوظهور ناشی از انقلاب صنعتی بود اما امروزه در اکثر کشورها در انواع متنوع و گوناگون؛ مدل بیسمارک، بیمه اجتماعی بوریج، مدل دانمارک و... در حال اجراست. در ایران به‌طور رسمی برنامه‌های تأمین اجتماعی از سال ۱۳۳۱ هم‌زمان با تصویب قانون بیمه اجتماعی کارگران آغاز به کار کرد. با گسترش فعالیت‌ها در این حوزه، بررسی موضوعات و مسائل مرتبط با آن در محافل علمی و پژوهشی نیز باب شد. پژوهش‌های متعددی جنبه‌های مختلف و متنوعی از تأمین اجتماعی را در طی این سال‌ها به‌صورت پراکنده بررسی نموده‌اند که مرور و مطالعه نظام‌مند آن‌ها می‌تواند انباشت علمی داخل کشور را در قلمرو تأمین اجتماعی ترسیم نماید.

لذا با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی که عصاره پژوهش‌های انجام‌شده در یک موضوع خاص را به‌گونه‌ای نظام‌دار و علمی فراروی پژوهشگران قرار می‌دهند و ضمن روشن نمودن وضعیت فعلی دانش در یک موضوع خاص، عرصه‌هایی را که به تحقیق بیشتری نیاز دارند، مشخص می‌کند، می‌توان در قالب یک مرور نظام‌مند ترکیبی به بررسی پژوهش‌های تأمین اجتماعی پرداخت تا مشخص گردد که در حوزه مطالعات تأمین اجتماعی در ایران چقدر انباشت و تولید علم صورت گرفته است؟ چراکه فرض اصلی در مرور نظام‌مند پیشینه مبتنی بر انگاره تراکم دانش است.

از این‌رو مقاله حاضر تلاش دارد تا با فرامطالعه پژوهش‌های مرتبط با تأمین اجتماعی، چشم‌اندازی از کم و کیف این مهم در داخل کشور ارائه دهد. در این راستا سؤالات و پرسش‌هایی مورد توجه قرار گرفته است؛ اینکه دانش انباشته در حوزه تأمین اجتماعی در ایران از نظر شکلی، روش‌شناختی و محتوایی چه ویژگی‌هایی دارد؟ این پژوهش‌ها بیشتر تحت تأثیر کدام رویکرد فلسفی و نظری بوده‌اند؟ این رویکردهای نظری تا چه اندازه قدرت تبیین نظام تأمین اجتماعی را به‌مثابه یک مفهوم تخصصی دارند؟

۲. چهارچوب نظری پژوهش

۲-۱. کندوکاو در بنیان‌های نظری و فلسفی تأمین اجتماعی

سیر اندیشه بشری در راستای کاهش آثار خطرهای اجتماعی، سه مرحله اصلی داشته است: بیمه‌های خصوصی، بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی (عراقی، ۱۳۸۶). بیمه‌های اجتماعی در دوران معاصر تبدیل به یکی از نظام‌های تأمین اجتماعی شده و منظور از آن مجموعه قوانین و مقررات و نهادهایی است که تأمین اجتماعی برای رسیدن به هدف‌های خود از آن‌ها استفاده می‌کند. در واقع حمایت‌هایی قانون‌گذار به اشخاص در معرض خطر فقر است. البته لازم است که چنین حمایت‌هایی مبنای قانونی داشته باشد. بنابراین هر کمکی تحت عنوان صدقه یا با انگیزه‌های انسان‌دوستانه به افراد نیازمند می‌شود، گرچه در رفع فقر آن‌ها مؤثر است، تا زمانی که بر اساس ساختاری نظام‌مند از سوی دولت جذب و ارائه نشده باشد، در حوزه تأمین اجتماعی به مفهوم نوین خود قرار نمی‌گیرد (خالق پرست، راسخ، نعیمی، ۱۳۹۶: ۱۶).

به این ترتیب مرز مفهومی تأمین اجتماعی با مفاهیم مشابه همچون؛ حمایت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی باریک است. در واقع تأمین اجتماعی، زیرمجموعه رفاه اجتماعی و ابزاری در سیاست اجتماعی بوده و تفاوت آن با حمایت اجتماعی در نحوه تأمین و توزیع منابع مالی است. گستره حمایت‌های اجتماعی که توسط دولت از منابع عمومی و مالیات‌ها تأمین می‌شود، نسبت به تأمین اجتماعی نامشخص‌تر است. رفاه اجتماعی نیز به عنوان مبنا و هدف برنامه‌های توسعه با پوشش ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کلان‌تر از تأمین اجتماعی بوده و تمایزش با سیاست اجتماعی در سازوکارهای اعمال آن‌هاست. سازوکارهای مالیاتی، سیاست‌های ارزی، محدودیت و آزادی تجارت، سازوکار سیاست اجتماعی محسوب می‌شوند که ادعای تمامی آن‌ها ایجاد رفاه اجتماعی بیشتر است (یزدانی، ۱۳۸۲).

رویکردهای نظری مختلف با موضع‌گیری نسبت به موضوعات مبنایی نظیر دولت، جامعه، بازار، فقر و عدالت و برابری خواهی تفسیر متفاوتی از نظام تأمین اجتماعی ارائه می‌دهند. در این نظریات برای نظام‌های تأمین اجتماعی اهداف سه‌گانه بازتوزیع درآمد، پوشش مخاطرات و ریسک و جبران خدمات در نظر گرفته می‌شود. اما به حتم بین مفروضات پذیرفته‌شده و عام رویکردهای نظری پیرامون نظام تأمین اجتماعی مناقشه جدی وجود دارد و هریک تفسیر متفاوتی از آن ارائه می‌دهند.

نظریات توسعه اقتصادی و سیاسی در دو طیف موافقان (اقتصاد نئولیبرالیست) و مخالفان (اقتصاد کلاسیک) موضع‌گیری خود را نسبت به تأمین اجتماعی در خصوص کارایی یا عدم کارایی آن برای نظام اقتصادی جوامع انجام داده‌اند.



نظریات اقتصادی (کارایی)^۱ که با تحلیل برنامه‌های تأمین اجتماعی از منظر تأثیر آن‌ها بر رشد یا کاهش رشد اقتصادی، همچنین نحوه بازتوزیع درآمدها در جوامع، توجه اصلی خود را به اهداف بازتوزیع درآمد و جبران خدمت در برنامه‌های تأمین اجتماعی جلب کرده‌اند. نظریات سیاسی^۲ با تمرکز بر هدف بازتوزیع برنامه‌های تأمین اجتماعی به تبیین نظری تأمین اجتماعی می‌پردازند. این دسته نظریات، تأمین اجتماعی را ابزار برقراری دموکراسی تلقی می‌کنند و با برقراری رابطه علی بین دموکراسی و تأمین اجتماعی، رشد دموکراسی را باعث گسترش تأمین اجتماعی برمی‌شمرند. به این ترتیب که مواضع جریان‌های سیاسی راست‌گرا در تأمین اجتماعی (الگوی محدود)، سوسیال دموکرات‌ها (الگوی جامع) و رویکرد راه سوم (رویکرد میانه) با فراهم آوردن عرصه رقابت بین گروه‌های مختلف اجتماعی با توجه به شرایط روز جوامع، قوام دموکراسی را در جوامع رشدیافته و دموکراتیک به دنبال خواهد داشت (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی)، مک‌کی^۳ (۲۰۰۵) (اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (ایسا)، ۱۳۸۵)، (سلیمی: ۵۸)، (نوروز طالقانی، ۱۳۷۴)، حیدرپور و ملکی (۱۳۹۸)، وحید (۱۳۹۶)، زنانی (۱۳۸۲)، عبدلی (۱۳۸۴)، امیری و همکاران (۱۳۹۵)، میرزایی و محمودزاده (۱۳۹۶)، عمادی و نصر اصفهانی (۱۳۹۶)، حیدرپور و ملکی (۱۳۹۸) علاوه بر این‌ها، نظریات دولت‌رانتی از منظر پرداختن به رابطه دولت و جامعه، مفاهیمی همچون تأمین اجتماعی را به مثابه ابزار دولت‌ها جهت تحقق اهداف خود برشمرده و آن‌را از این منظر تبیین می‌کنند. بر اساس این نظریات، غالباً دولت‌ها با ساختار رانتی برای غلبه بر بحران مشروعیت خود به سیاست‌های کلان توده‌گرا متوسل شده و به این طریق کسب مشروعیت می‌نمایند (هریس، ۱۳۹۸).

۲-۲. پیشینه تجربی

علی‌رغم تعداد قابل توجه پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون تأمین اجتماعی، در خصوص مطالعه مرور نظام‌مند یا فراتحلیل در داخل کشور تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته و در مطالعات خارجی به صورت اندک انجام شده است. در کتاب "راهنمای اساسی تأمین اجتماعی: نظریه و ارزیابی" نوشته استرادا^۴ از محققین مرکز تحقیقات تأمین اجتماعی^۵ دانشگاه مالزی در سال ۲۰۱۸ یکی از فصول به بررسی تکامل کیفی و کمی تحقیقات تأمین اجتماعی در دنیا پرداخته است. روندهای گذشته، فعلی و چالش‌های آینده این تحقیقات بررسی شده و برای تحقیقات دانشگاهی در آینده چند سناریو ترسیم نموده است. سیر تحول تحقیقات تجربی تأمین اجتماعی بین ۱۰۰۵ مقاله مجله بین‌المللی تأمین اجتماعی در

1. Efficiency
2. Political
3. Ailsa McKay
4. Estrada
5. Social Security Research Centre

پنجاه سال گذشته (۱۹۶۷ و ۲۰۱۷) تجزیه و تحلیل شده، که رشد این تحقیقات در این سال‌ها را نشان می‌دهد. طبق این مطالعه خط سیر مطالعات تجربی در زمینه تأمین اجتماعی بر روی سه مکانیسم اصلی، تأمین اجتماعی، دولت رفاه و خدمات سلامت متمرکز شده‌اند. از تحلیل محتوای این مقالات، ۲۵ زمینه اصلی که مطالعات حول آن‌ها انجام شده، شناسایی شده که طی سال‌های مورد بررسی (۱۹۶۷ و ۲۰۱۷) مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند. اطلاعات مربوط به انجام مطالعات در هریک از این مقولات در جدول زیر قابل ملاحظه است.

جدول شماره ۱. طبقه‌بندی مطالعات تجربی در حوزه تأمین اجتماعی طی ۵۰ سال

ردیف	مقولات تحقیقات تأمین اجتماعی	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰	۲۰۰۰/۰۹	۲۰۱۰/۱۷	جمع	درصد
۱	مسائل عمومی تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی	۲۵	۶۷	۶۰	۵۰	۵۸	۳۰	۲۹۰	۲۹
۲	مسائل مربوط به بیمه و ضمانت	۴	۱۳	۲۲	۱۳	۱۱	۵	۶۸	۷
۳	مسائل بازنشستگی و حقوق بازنشستگی	۵	۱۳	۱۵	۳۰	۵۳	۳۰	۱۴۶	۱۵
۴	آسیب، معلولین، بیماری‌ها، حوادث، بیماری، ناتوانی، توان‌بخشی، مشکلات معلول	۳	۱۵	۳۰	۷	۱۵	۷	۷۷	۸
۵	مسائل پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی	۵	۶	۱۷	۲۱	۱۸	۱۶	۸۳	۸
۶	سازمان‌های تأمین اجتماعی، مدیریت، مسائل حاکمیت و مدیریت	۳	۴	۵	۸	۲	۷	۲۹	۳
۷	بخش غیررسمی، فقر و تورم	۰	۰	۰	۵	۳	۳	۱۱	۱
۸	جنسیت، زنان، خانواده، زایمان، مرگ‌ومیر، تک والدین، برنامه‌های اجتماعی دوران کودکی	۰	۱۱	۱۲	۱۱	۱۱	۵	۴۴	۴
۹	حقوق بشر و خطر اخلاقی در مسائل تأمین اجتماعی	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۳	۰
۱۰	طرح‌های صندوق تأمین هزینه‌های کارمندان	۰	۱	۰	۲	۰	۰	۳	۰
۱۱	رفاه اجتماعی، کمک‌های اجتماعی، کمک‌هزینه، معاملات، نقل و انتقالات، غرامت‌ها و پرداخت‌ها	۰	۲	۱	۲	۵	۷	۱۷	۲
۱۲	دستمزد، پس‌انداز، مالیات بر درآمد، یارانه‌ها، درآمد مالیات، برنامه‌های پشتیبانی درآمد	۰	۱۰	۱۰	۵	۱۲	۱۰	۴۷	۵
۱۳	بیمه کار و ایمنی شغلی، غرامت بیکاری و بیمه بیکاری	۰	۶	۷	۱۱	۷	۷	۳۸	۴
۱۴	صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، مالی شخصی، پس‌انداز، اوراق بهادار، بورس سهام و اوراق قرضه	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰
۱۵	رکود اقتصادی و بحران مالی	۰	۲	۰	۰	۱	۵	۸	۱

۱۶	توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی	۰	۰	۵	۰	۲	۰	۷	۱
۱۷	مسائل اقتصادی و بهره‌وری	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۳	۰
۱۸	مسائل پوشش تأمین اجتماعی شهری، روستایی و خارجی‌ها	۰	۲	۰	۰	۱	۵	۸	۱
۱۹	تکنیک‌های آماری، پیش‌بینی و کمی	۰	۰	۵	۰	۲	۰	۷	۱
۲۰	پیری، سالمندان، استاندارد زندگی افراد مسن	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۳	۰
۲۱	جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، قانون، سیاست‌ها و مقررات	۰	۰	۳	۰	۰	۲	۵	۰
۲۲	مسائل بازنشستگی پیش از موعد و بازنشستگی نسبی	۱	۱۱	۱۱	۳	۰	۸	۳۴	۳
۲۳	تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی	۰	۶	۶	۷	۱۲	۶	۳۷	۴
۲۴	جنبش کارگری و دولت رفاه	۴	۵	۵	۲	۷	۳	۲۶	۳
۲۵	مسائل مربوط به تأمین اجتماعی با درآمد کم، کشور در حال توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۲	۰

منبع: (Wiley, Journal of International Social Security Review from Sciences Direct by, 2017)

۳. روش‌شناسی پژوهش

هدف این مقاله ترسیم دانش موضوعی تأمین اجتماعی از طریق بررسی دانش انباشته آن از نظر شکلی، روشی و محتوایی، همچنین ارزیابی قدرت تبیین‌کنندگی رویکردهای نظری مورد استفاده در مطالعات می‌باشد.

روش پژوهش در این مقاله، فرامطالعه^۱ است که برای تجزیه و تحلیل از نتایج پژوهشی در حوزه‌ای خاص استفاده می‌شود. به همین منظور تلاش می‌شود با مرور آثار، به بازخوانی و دسته‌بندی پژوهش‌های مرتبط با نظام تأمین اجتماعی پرداخته شود. جامعه پژوهش شامل کلیه متون نوشتاری اعم از کتاب، پایان‌نامه، پژوهش و مقاله منتشر شده مرتبط با موضوع و قابل دسترس در داخل و خارج کشور، در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۸ است. برای شناسایی مقالات و کتب مرتبط، به پایگاه‌های اطلاعات علمی نظیر بانک اطلاعات نشریات و مجلات ایرانی، مرکز داده‌های پایگاه اطلاعات علمی و بانک اطلاعات نشریات جهاد دانشگاهی، سامانه بانک اطلاعات خانه کتاب و مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی مراجعه شده است. روند نقد و بررسی این مطالعات تابع قاعده مشخصی بوده است؛ بدین ترتیب که ابتدا متن مدنظر، بررسی و در ادامه از حیث ساختاری و محتوایی بررسی شده است. در نهایت کار نقد و بررسی این مطالعات با تکیه بر ادبیات نظری موجود در باب تأمین اجتماعی صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

۴-۱. فرامطالعه ساختاری مقاله‌ها

در این بخش مشخصات عمومی و ساختاری مقاله‌های مطالعه‌شده در حوزه تأمین اجتماعی در بازه موردنظر بررسی می‌شود. تعداد ۱۷۰ مقاله در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۸ به تأمین اجتماعی پرداخته‌اند که البته تعداد ۸۴ مورد از آن‌ها جامعه آماری مورد مطالعه سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای وابسته به آن بوده و ۸۶ موردشان موضوعی به تأمین اجتماعی پرداخته‌اند.

از میان این ۸۶ مقاله پژوهشی مورد بررسی، در ارتباط با حوزه تخصصی مجریان پژوهش، ۲۵،۵۸ درصد (۲۲ مورد) در حوزه اقتصادی، ۵،۸۱ درصد (۵ مورد) در حوزه پزشکی و پیراپزشکی، ۱۰،۴۷ درصد (۹ مورد) در حوزه جامعه‌شناسی، ۳،۴۹ درصد (۳ مورد) در حوزه جغرافیا، ۲۳،۲۶ درصد (۲۰ مورد) در حوزه حقوقی، ۵،۸۱ درصد (۵ مورد) در حوزه روان‌شناسی، ۲،۳۳ درصد (۲ مورد) در حوزه ریاضی و آمار، ۲،۳۳ درصد (۲ مورد) در حوزه مهندسی صنایع، ۱،۱۶ درصد (۱ مورد) در حوزه علوم سیاسی، ۱،۱۶ درصد (۱ مورد) در حوزه فقهی و ۱۸،۶ درصد (۱۶ مورد) در حوزه مدیریتی به انجام رسیده‌اند.

بررسی این آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که متخصصان حوزه اقتصادی و حقوقی به ترتیب بیشترین توجه را به تأمین اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن جهت مطالعه و پژوهش داشته‌اند. البته لازم به ذکر است که این روند در طول زمان برای متخصصان اقتصادی روندی کاهشی بوده و بیشترین استقبال این متخصصان از موضوع تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بوده است (نیلی، سیدخسرو شاهی، ابراهیمی، ۱۳۹۱) (کاظمیان، مسکر پورامیری، ۱۳۹۱) (کوپال و دیگران، ۱۳۹۱) (غفاری، عاقلی، ۱۳۹۰) (جهانگرد، ۱۳۹۰) (دانش فرد، رجبی فرجاد، ۱۳۹۱) این موضوع شاید از کاهش اهمیت و نقش تأمین اجتماعی در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کشور و برعکس اهمیت آن در سال‌های برنامه چهارم توسعه منتج شده باشد.

همچنین نظام تأمین اجتماعی به صورت عام با ۳۳/۷ درصد، بازنشستگی با ۳۱/۴ درصد، بیمه درمان با ۱۰/۵ درصد، بیمه عمر ۵/۸ درصد، بیمه حوادث ۲/۳ درصد، بیمه روستاییان ۲/۳ درصد، بیمه‌های اجتماعی ۷/۰ درصد، بیمه ۴/۷ درصد و بیمه بیکاری با ۱/۲ درصد، موضوعاتی هستند که ذیل نظام تأمین اجتماعی در مقالات مورد بررسی، مدنظر نویسندگان و محققین قرار گرفته است.

از نظر رویکرد روش‌شناسی، در بین مقالات بررسی‌شده ۳۴/۹ درصد در رویکرد و پارادایم کیفی و بقیه یعنی ۶۵/۱ درصدشان در رویکرد کمی به بررسی موضوعات موردنظر پرداخته‌اند. در واقع غالب این مطالعات از حیث آماری و تأثیرات کمی و عددی تأمین اجتماعی و موضوعاتی از قبیل مقرری بازنشستگی و بیمه بر اقتصاد و سایر موضوعات مرتبط با آن مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار داده‌اند.



در ارتباط با چهارچوب و پیشینه نظری مقالات، به‌مثابه اصلی‌ترین مورد در انجام تحلیل نظام‌مند و دقیق، نتایج بررسی نشان داد که از ۸۶ مقاله مورد بررسی، تنها ۲۰ مقاله (۲۳ درصد) به پیشینه نظری پژوهش توجه شده است و در ۶۶ مقاله (۷۷ درصد) اشاره‌ای به پیشینه صورت نگرفته است، که این امر خود می‌تواند دلیلی بر ضعف پایه‌های نظری پژوهش در این مقاله‌ها باشد.

جدول شماره ۲. مشخصات ساختاری مقالات بررسی شده در حوزه تأمین اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۸

مقولات		کدها		تعداد		درصد						
نحوه پرداخت		موضوع		۸۶		۴۹/۴						
		جامعه آماری		۸۴		۵۰/۵						
حوزه تخصصی نویسندگان	کدها	اقتصاد	تئوری و پیرایشگری و جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی	جغرافیا	حقوق	روانشناسی	ریاضی و آمار	مهندسی صنایع	علوم سیاسی	علوم فقهی	مدیریت
	تعداد	۲۲	۵	۹	۳	۲۰	۵	۲	۲	۲	۱	۱۶
	درصد	۲۲/۵۸	۵/۸۱	۱۰/۴۷	۳/۴۹	۲۳/۲۶	۵/۸۱	۲/۳۳	۲/۳۳	۲/۳۳	۱/۱۶	۱۸/۶
موضوعات مورد بررسی	کدها	نظام تأمین اجتماعی	بازنسنجی	بیمه درمان	بیمه عمر	بیمه حوادث	بیمه روستاییان	بیمه‌های اجتماعی	بیمه	بیمه	بیمه بیکاری	
	تعداد	۲۹	۲۷	۹	۵	۲	۲	۶	۴	۱		
	درصد	۳۳/۷	۳۱/۴	۱۰/۵	۵/۸	۲/۳	۲/۳	۷/۰	۴/۷	۱/۲		
رویکرد روشی	کدها	کمی تحلیلی	کمی-پیمایش	کمی	ترکیبی (کمی و کیفی)							
	تعداد	۳۸	۱۱	۳۵	۲							
	درصد	۴۴/۲	۱۲/۸	۱۳/۹	۲/۳							
چهارچوب و پیشینه نظری	کدها	دارای چهارچوب	بدون چهارچوب									
	تعداد	۲۰	۶۶									
	درصد	۲۳/۳	۷۶/۷									

فرامطالعه پژوهش‌های تأمین اجتماعی در ایران

۴-۲. فرامطالعه محتوایی مقاله‌ها

۶۹

در این بخش مطالعات از نظر محتوایی و رویکرد نظری فلسفی‌شان در حوزه تأمین اجتماعی در بازه موردنظر بررسی می‌شود. در حالت کلی این مطالعات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: (۱) مطالعاتی که به سیر مفهومی و تاریخی تأمین اجتماعی و نهادهای مرتبط با آن در ایران پرداخته و با بررسی

عوامل تأثیرگذار و تبیین‌کننده، برنامه‌ها و طرح‌های تأمین اجتماعی را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بررسی کرده‌اند. ۲) مطالعاتی که با رویکرد آسیب‌شناسانه به بررسی مسائل و مشکلات پیرامون تأمین اجتماعی در لایه‌های مختلف بیمه‌ای، مساعدتی و حمایتی آن در ایران پرداخته‌اند. ۳) تحقیقاتی که غالباً به صورت نظری و انتزاعی سیاست اجتماعی که برنامه‌های تأمین اجتماعی مأخوذ از آن‌ها می‌باشند را مورد جرح و بررسی قرار داده‌اند. بخشی از این مطالعات با رویکرد اثباتی و واقع‌گرا سیاست اجتماعی را به مثابه یک امر غیرگفتمانی و غیرتاریخی در نظر گرفته، بر اساس نظریات موجود در حوزه دولت رفاه به بررسی سیاست‌های رفاهی و اجتماعی در ایران پرداخته و نوعی نظریه‌آزمایی با رویکرد قیاسی هستند. بخش دیگر با رویکرد کیفی سیاست اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن از آن جمله تأمین اجتماعی را به مثابه متن، گفتمان و یک امر تاریخمند در نظر گرفته و به بررسی گفتمان حاکم بر تأمین اجتماعی و سیاست رفاهی ایران در اسناد بالادستی نظیر برنامه‌های توسعه ایران پرداخته‌اند.

جدول شماره ۳. طبقه‌بندی مطالعات داخلی در حوزه تأمین اجتماعی

نویسنده و سال	عنوان	موضوع	رویکرد
مدنی ۱۳۸۴ همایون پور ۱۳۸۲	تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی مفهوم تأمین اجتماعی	تحلیل سیر تاریخی و مفهومی تأمین اجتماعی	مطالعات نظری و مفهومی تأمین اجتماعی
میرزایی و محمودزاده ۱۳۹۶ زنجرى و شریفیان ثانی ۱۳۹۶ عمادی، اصفهانی ۱۳۹۶	آسیب‌شناسی عملکرد صندوق‌های بازنشستگی عمومی کشور بررسی سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه سالمندان در ایران چالش‌ها و رویکردهای اصلاح سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه سالمندان	تحلیل حوزه‌های مختلف تأمین اجتماعی نظیر بازنشستگی، سالمندی، بیکاری و...	مطالعات آسیب‌شناسانه حوزه تأمین اجتماعی
قاراخانی ۱۳۹۰ خالق‌پرست و دیگران ۱۳۹۶ حسینی ۱۳۹۲ ذاکر حمیدی ۱۳۸۵	بررسی سیاست اجتماعی را به مثابه ابزار کاهش نابرابری در جامعه و برقراری عدالت اجتماعی در بین دولت‌های پس از انقلاب اسلامی تحلیل حقوقی تأمین اجتماعی ایران نقد و بررسی الگوهای تأمین اجتماعی مرسوم، الگوی سازگار با نگرش اسلامی بررسی سیاست‌های رفاه اجتماعی با رویکرد توسعه اجتماعی	تحلیل ابعاد سیاست‌های تأمین اجتماعی	



یاسر باقری ۱۳۹۶ غفاری و عزیزی‌مهر ۱۳۹۰	بررسی میدان سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران تحلیل نهادی سیاست‌های رفاهی در ایران معاصر	اقتصاد سیاسی تأمین اجتماعی	
جعفرتاش امیری ۱۳۹۴ فولادیان، امین و غفاری‌زاده ۱۳۸۷	گونه‌شناسی نظام رفاهی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل سه دولت رفاه گوستا اندرسون مبنای تئوریک دولت رفاه از دیدگاه پوپر (بررسی بنیان‌های فلسفی و نحوه شکل‌گیری و عملکرد دولت رفاه از دیدگاه پوپر)	بررسی مبانی تئوریک تأمین اجتماعی	
پروائی و موسوی ۱۳۹۸ هزارجریبی و صفری شالی ۱۳۹۳ جلایی‌پور و دیگران ۱۳۹۱ رضا امید ۱۳۹۵ صفری شالی، ۱۳۹۴ کرم حبیب‌پور گنتابی ۱۳۹۲ کردونی و فاضلی ۱۳۸۸ مجید وحید ۱۳۹۶	تحلیل محتوای سیاست‌ها در متن برنامه‌های توسعه ایران تحلیل گفتمان عدالت حاکم بر مقوله تأمین اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی تحلیل حکومت‌مندی سیاست‌گذاری اجتماعی بررسی تحولات سیاست‌گذاری اجتماعی و فرازوفروود رابطه دولت و ملت در عصر پهلوی تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بررسی سیاست آموزشی در ایران با لنز حکومت‌مندی تحلیل برخی گفتمان‌های رفاهی در دوران اصلاحات	تحلیل گفتمان و محتوای سیاست‌های تأمین اجتماعی	مطالعات نظری سیاست اجتماعی و تأمین اجتماعی

پژوهش‌هایی که با رویکرد آسیب‌شناسانه تأمین اجتماعی را بررسی کرده‌اند هر یک تعدادی متغیر اقتصادی یا سیاسی را در ایجاد اختلال در روند کارهای تأمین اجتماعی مؤثر می‌دانند. برای مثال، میرزایی و محمودزاده (۱۳۹۶) با نگاهی آسیب‌شناسانه با استفاده از شاخص‌ها و متغیرهای مرتبط با عملکرد صندوق‌های بازنشستگی عمومی کشور به وضعیت بحرانی این صندوق‌ها و عوامل مؤثر بر این بحران در حوزه‌های قانونی، سرمایه‌گذاری، حکمرانی و بیمه‌ای پرداختند. سپس در راستای مدیریت این بحران با نگاهی به متغیرهای کلان اقتصادی، روند خط‌مشی‌های عمومی کشور و برنامه ششم توسعه تصویری آینده‌نگر از وضعیت این صندوق‌ها ارائه شده است. یا عمادی، نصر اصفهانی (۱۳۹۶) با تکیه بر مباحث نظری جدید و تجربیات آزموده شده جهانی بر این نظرند که علی‌رغم هژمونی اصلاحات

پارامتریک در نظام بازنشستگی، به‌عنوان اصلی‌ترین راه‌حل، اتخاذ رویکرد جامع و اولویت دادن به تغییرات پارادایمی یعنی اصلاح انگاره‌ها و باورهای ذهنی به مسئله سالمندی و بازنشستگی پیش‌شرط تحول در سیاست‌گذاری اجتماعی در بخش سالمندان است.

پژوهش‌هایی نیز در چهارچوب نظریات سیاسی تأمین اجتماعی را بررسی کرده‌اند؛ برای مثال وحید (۱۳۹۶) چگونگی ورود سیاست‌های تأمین اجتماعی به دستور کار دولت را با نگاهی تاریخی با نقطه ثقل توجه به دولت و اراده آگاهانه آن در ایجاد یک سیاست که در قالب اسناد و قوانین تجلی‌یافته بررسی نموده است. این مقاله در پی فهم منطق تأسیس و تحول سیاست‌های تأمین اجتماعی در حوزه بیمه درمان و بازنشستگی در ایران از پس از انقلاب مشروطه تا پایان سلطنت رضاشاه پهلوی است. بر اساس نتایج، عامل اولیه ورود سیاست‌های تأمین اجتماعی به دستور کار دولت در پس از مشروطه هم‌زمان با ورود اندیشه‌های سوسیالیستی از طریق کارگران ایرانی شاغل در قفقاز و وقوع انقلاب مشروطه ایران بوده است. می‌توان گفت آنچه تا پیش از سلطنت رضاشاه موجب توجه دولت به سیاست‌های تأمین اجتماعی شد، فشار افکار عمومی از طریق اعتراضات و اعتصابات مردم به‌ویژه کارگران بوده است. پس از سلطنت رضاشاه، فشار خارج از سوی کارگران و احزاب و روزنامه‌های دولت برای در دستور کار قراردادن بیمه‌های اجتماعی وجود نداشت. در دوران رضاشاه نقش حوزه عمومی در روند تصمیم‌گیری‌های موضوعات مرتبط با تأمین اجتماعی بسیار کم‌رنگ بود و خواسته دربار و رضاشاه ارجح‌تر می‌نمود.

در تعدادی از این دست پژوهش‌ها بررسی زمینه کلی تأمین اجتماعی یا همان سیاست اجتماعی بررسی شده؛ برای مثال جلائی‌پور و دیگران (۱۳۹۱) سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران به‌مثابه یک پدیده تاریخمند را با تجهیز خود به ابزار فوکویی حکومت‌مندی بررسی کرده و جایگاه و کاربردپذیری رویکرد حکومت‌مندی در تحلیل سیاست‌گذاری اجتماعی، معرفی و درباره آن بحث می‌شود. درواقع می‌توان از دو منظر معرفتی (بر اساس سه بعد عقلانیت و تکنولوژی و سوژه حکومت) و روشی (با دو روش تحلیل گفتمان و تبارشناسی)، رویکرد حکومت‌مندی را برای تحلیل سیاست‌گذاری اجتماعی به کار برد.

با رویکرد گفتمانی؛ گفتمان عدالت حاکم بر مقوله تأمین اجتماعی توسط هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۳) در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی بررسی شده است. این پژوهش با بهره‌مندی از روش کیفی و به شیوه تحلیل گفتمان فرکلاف و موفه با مبنا قراردادن عدالت اجتماعی به‌عنوان نشانه مرکزی، درصد دستیابی به گفتمان حاکم بر مقوله تأمین اجتماعی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی می‌باشد. یافته‌های تحلیل حاکی از آن است که دال شناور عدالت اجتماعی ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی در قالب نشانه مرکزی تأمین اجتماعی مسدود شده و مفصل‌بندی آن در قالب نشانه‌هایی اصلی چون، برخورداری آحاد جامعه از حمایت‌های بیمه‌ای و امدادی در گفتمان سازندگی و برخورداری از حمایت‌های بیمه‌ای و توان‌بخشی در گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور شکل گرفته که مبین خط سیر متفاوت دولت‌های



پس از انقلاب در تحقق عدالت اجتماعی برآمده از تأمین اجتماعی در کشور می‌باشد.

علاوه بر این تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توسط صفری شالی (۱۳۹۴) انجام شده و عدالت جنسیتی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. علی‌رغم این که هر دولت گفتمان مربوط به خود دارد، اما هم‌چنان ذیل گفتمان جامع انقلاب اسلامی فعالیت نموده‌اند. مفصل‌بندی نظام معنایی متشکل از دال‌های اصلی توانمندی زنان اشتغال زنان، حجاب و عفاف زنان و امنیت زنان حول عدالت اجتماعی و جنسیتی، این دال‌ها را در گفتمان کلان انقلاب اسلامی مسدود نموده و انسجام معنایی حول دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی هژمونی مربوط به هر دولت را نمایندگی می‌کند.

کردونی و فاضلی (۱۳۸۸) با تحلیل گفتمان‌های رفاهی در سخنان رئیس‌جمهور دوران اصلاحات، ویژگی‌های گفتمانی این دوره را بازشناسی و معرفی نموده‌اند، گفتمان رفاهی دوران اصلاحات در خصوص مؤلفه‌های اصلی رفاه، جهتگیری‌های مشخصی دارد. این گفتمان تفسیری از عدالت ارائه می‌دهد که به معنای ایجاد فرصت‌های مساوی و تضمین دسترسی برابر به امکانات است. تلقی گفتمان اصلاحی از مفهوم آزادی این است که دین و آزادی را دارای تأثیر متقابل بر یکدیگر تحلیل می‌کند و برای آن دو حد اسلامی و حقوق عمومی قائل است. این گفتمان بر مفهوم توسعه همه‌جانبه و پایدار تأکید دارد و در بعد سیاسی رفاه، بر مقولاتی نظیر مشارکت، فعالیت احزاب و گروه‌ها و امنیت سیاسی تکیه دارد. گفتمان رفاهی اصلاحات با تأکید بر نظام جامع تأمین اجتماعی معتقد است یک نظام تأمین اجتماعی از هم‌گسسته، نه می‌تواند عدالت را تأمین کند نه امنیت را.

بررسی این مطالعات نشان می‌دهد که غالب این پژوهش‌ها با منظری تقلیل‌گرایانه تأمین اجتماعی را به مثابه یک مفهوم اقتصادی در نظر گرفته و مسائل و مشکلات موجود در این نظام را بررسی نموده‌اند. در بین ابعاد تأمین اجتماعی بیشتر بعد بیمه‌ای برنامه‌های تأمین اجتماعی خصوصاً در حوزه سالمندی و بازنشستگی بررسی شده و سایر ابعاد آن، خاصه بعد امدادی، علی‌رغم وجود چهارچوب عریض و طویل نهادی آن در ایران (کمیته امداد امام خمینی(ره)، بنیاد مستضعفان، سازمان بهزیستی و...) از منظر نظام تأمین اجتماعی و ارتباط با سایر ابعاد، بررسی و تحلیل نشده است. در واقع این مطالعات بیشتر برنامه‌ها و طرح‌های تأمین اجتماعی را بررسی کرده و بررسی سیاست‌ها و مبانی که پایه این برنامه‌ها هستند مغفول مانده است.

جز تعداد اندکی از پژوهش‌ها که به صورت گفتمانی موضوعات مرتبط با تأمین اجتماعی را بررسی کرده و تا حدودی به بافت شکل‌گیری موضوعات مرتبط نه خود نظام تأمین اجتماعی پرداخته‌اند، در اغلب این پژوهش‌ها رد و نشانی از تحلیل چهارچوب اصلی و مبانی برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی در حوزه تأمین اجتماعی دیده نمی‌شود و هیچ پرسش اساسی از این مبنا صورت نگرفته است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

ترسیم نقشه دانش موضوعی تأمین اجتماعی در ایران نشان داد که؛ توجه متخصصان اقتصادی و حقوقی به تأمین اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن بیشتر از سایر رشته‌های تخصصی بوده که این امر، به‌نوعی غلبه رویکرد اقتصادی در بررسی تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد. همچنین، پرداختن به موضوع تأمین اجتماعی در سال‌های اخیر در مقایسه با سال‌های برنامه چهارم توسعه از نظر کمی و کیفی روند کاهشی دارد، موضوعات بازنشستگی و بیمه درمان بیش از سایر موضوعات مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تحت تأثیر این امر، روش‌های کمی و آماری برای بررسی بیشتر توسط پژوهشگران مورد استفاده قرار گرفته‌اند و غالب پژوهش‌ها در حوزه نظری و تبیین نظری موضوع مورد بررسی خود دارای ضعف عمده می‌باشند.

علاوه‌براین طبق نتایج بررسی محتوایی مطالعات؛ از حیث نظری، تأمین اجتماعی به مثابه ابزار برقراری دموکراسی (رویکرد سیاسی)، ابزار بازتوزیع درآمد (رویکرد اقتصادی) و ابزار کنترل نرم (رویکرد پوپولیستی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در رویکرد سیاسی، تأمین اجتماعی به‌مثابه کالای اجتماعی، ابزار برقراری دموکراسی تلقی می‌شود، درواقع با برقراری رابطه علی بین دموکراسی و تأمین اجتماعی؛ گسترش تأمین اجتماعی را کارایی عملکرد نظام سیاسی قلمداد کرده یا بر ماهیت رای‌آوردنگی برنامه‌های تأمین اجتماعی تأکید می‌شود. در رویکرد اقتصادی، تأمین اجتماعی به‌مثابه کالای اقتصادی، ابزار بازتوزیع درآمد تلقی می‌شود؛ که با کاهش ناکامی و نارسائی‌های نظام اقتصادی بازار از طریق تأثیر آن بر رشد یا کاهش متغیرهای مهم اقتصادی نظیر تولید، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، توزیع مجدد درآمدها و... نقش‌آفرینی می‌کند. نکته قابل‌توجه در بررسی نظام اجتماعی در هر دو این رویکردها این است که در هر دو، ساختار جامعه، مطابق با کشورهای توسعه‌یافته فرض گرفته شده و با توجه به ویژگی‌های این کشورها نقش و جایگاه تأمین اجتماعی تبیین می‌شود. اما در رویکرد پوپولیستی تأمین اجتماعی به‌مثابه اعمال کنترل نرم در ساخت اجتماعی در کشورهایی با ساختار رانته، تبیین می‌شود، طبق مضامین این رویکرد از مزایای نظام تأمین اجتماعی برای خرید حمایت سیاسی طبقات فرودست و تضعیف نیروهای اجتماعی نیرومند استفاده می‌شود، سیاست‌های شمول‌گرا یا بازتوزیع‌گرا با هدف همراه کردن توده‌ها از طریق نظام تأمین اجتماعی پیاده می‌شوند.

در حالت کلی نتایج این بررسی نشان داد که، تأمین اجتماعی غالباً ابزار مفهومی برای انجام تحقیقات در درون گفتمان مدرنیزاسیون و به‌صورت کلی‌تر گفتمان توسعه استفاده می‌شود و واقعیت این است که تاکنون کانون توجه مطالعات انجام‌شده راجع به تأمین اجتماعی به جنبه‌های اقتصادی و کمی تقلیل پیدا کرده و با بی‌توجهی به زمینه‌گفتمانی شکل‌گیری تأمین اجتماعی در ایران به آن در قالب یک امر کلی نگریسته شده است و تأمین اجتماعی به‌مثابه یک سازه‌گفتمانی که مورد پرسش



هستی‌شناسانه قرار گیرد، در نظر گرفته نشده است، بلکه تأمین اجتماعی یک ثابت تاریخی است که رویدادها و ویژگی‌های بستی که در آن ظهور و بروز داشته حتی در مطالعات تاریخی آن نادیده گرفته شده و وضعیت تاریخی آن با نظریه‌های موجود تطبیق داده می‌شود. هیچ‌یک از این تحقیقات به تاریخ تبدیل شدن تأمین اجتماعی به مسئله برای ایران اشاره نکرده‌اند. مطالعاتی که به بررسی تاریخی تأمین اجتماعی پرداخته‌اند تنها یک روایت تاریخی تکراری از اولین قانون تأمین در ایران روایت کرده‌اند. استفاده از مفهوم تأمین اجتماعی به مثابه یک سازه فراتاریخی و حمل آن بر اقتصاد، سیاست و یا رفاه و... پیشاپیش این پژوهش‌ها را درون گفتمان مدرنیزاسیون جای می‌دهد که به زمینه و شرایط بافتاری شکل‌گیری مفاهیم از جمله مفهوم تأمین اجتماعی در آن توجه نمی‌شود.

علاوه بر این در ساخت فضای مفهومی باید به این مهم توجه داشت که نظریه‌پردازی موجود برای تبیین نظری تأمین اجتماعی، درک ما از موضوع را محدود می‌کند و در استفاده از این نظریات جهت تبیین سیاست رفاهی، خاصه تأمین اجتماعی در ایران باید محتاط عمل نمود. چون نظریات اقتصادی و سیاسی تطابق بیشتر با سازوکار کشورهای دموکراتیک با اقتصاد سیاسی پیشرفته و صنعتی دارند که مبنی بر ایجاد مشاغل کارمحور در اقتصاد صنعتی برای کاهش فقر و بازتوزیع درآمد و ثروت هستند، در نتیجه توانایی تبیین نظام تأمین اجتماعی در زمینه‌هایی نظیر نظام سیاسی اجتماعی ایران با ماهیت دولت اقتدارگرا، رانتی و مستقل از گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی را ندارند. در واقع این رویکردهای نظری با گیرافتادن در بن‌بست ساختارگرایی، ماهیت غایت‌گرایانه و غیرتاریخی پیدا کرده و امکان رصد تاریخ جوامع، تکثر و مقاومت جامعه در برابر سیاست‌های دولت را غیرممکن می‌نمایند. به همین دلیل این رویکردهای نظری، سیاست تأمین اجتماعی را به‌عنوان محصول صنعتی شدن و رشد بازار فهم کرده و ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی و شرایط تاریخی جوامع را واقعی نداده‌اند.

علاوه بر این نظریاتی که در آن‌ها تأمین اجتماعی به مثابه ابزار کنترل نرم در نظر گرفته می‌شوند، علی‌رغم داعیه پرداخت به رابطه دولت و جامعه، در تحلیل‌های خود دچار تقلیل‌گرایی و یکسویه‌نگری شده و تنها با تحلیل طرف دولت این رابطه دوسویه، از تحلیل طرف دیگر رابطه و تأثیر بازخورد آن بر سیاست‌های رفاهی دولت بازمانده‌اند، آن‌ها دولت را کاملاً مسلط بر جامعه و جامعه را کاملاً مستقل از دولت فرض گرفته، کنشگری افراد در قالب جامعه را کاملاً نادیده انگاشته‌اند. هر جا در تبیین خود به سراغ کنشگری افراد و جامعه رفته‌اند، اقتدار کارزماتیک نخبگان دولتی، ایدئولوژی و سرکوب را اصل دانسته و نیروی کنشگری افراد را نادیده گرفته‌اند. این در حالی است که باید در تبیین سیاست‌های تأمین اجتماعی به تأثیر بازخورد سیاست‌ها در جامعه، مطالبه افراد در بزنگاه‌های تاریخی و نقش آن‌ها در تغییر سیاست‌ها نیز توجه نمود. این نوع نظریه‌پردازی درک ما از موضوع را محدود می‌کند.

مقوله بعدی در تبیین نظام تأمین اجتماعی تعیین طرح‌ها و برنامه‌هایی است که انواع خدمات در قالب

آن‌ها ارائه می‌گردد که در این مقوله، از مدل‌های ارائه خدمات تأمین اجتماعی در کشورهای منتخب در این حوزه به‌عنوان راهنما استفاده شده است. نظام تأمین اجتماعی در کشورهای در حال توسعه هر چند به لحاظ شکلی مشابهت‌هایی با سیستم‌های پیشرفته داشته باشند ولی در عمل این نظام‌ها غالباً با چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند. کشورهای در حال توسعه برای مقررات تأمین اجتماعی نمی‌توانند فقط به مدل رسمی تأمین اجتماعی اکتفا نمایند. تأمین اجتماعی در این کشورها باید بخشی از سیاست‌های مبارزه با فقر و یکپارچه با آن باشد. چراکه تأمین اجتماعی در این کشورها علاوه بر ابزار ایجاد دموکراسی و افزایش کارایی اقتصادی، ابزار مهمی جهت کاهش فقر و برقراری توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی است.



منابع

- اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی ایسا . (۱۳۸۵). نقش تأمین اجتماعی در توسعه و تحول . اداره کل امور بین‌الملل سازمان تأمین اجتماعی .
- امیدی، رضا. (۱۳۹۸). تحلیل تعارض در سیاست‌گذاری اجتماعی بررسی فرایند تدوین قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی . مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۸ (۳): صص ۶۳۹-۶۶۸.
- امیری، م، محمودی، راغفر، ح ، پروندی، ی. (۱۳۹۵). بررسی نظری- تطبیقی نظام‌های تأمین اجتماعی: مسیریابی توسعه نظام سه‌لایه تأمین اجتماعی ایران . فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، ۲ (۴): صص ۹-۲۸.
- حیدریور، م و ملکی، ب. (بهار ۱۳۹۸). آسیب‌شناسی و راهکارهای ارتقاء سیاست‌گذاری تأمین اجتماعی در ایران . فصلنامه مدیریت و حسابداری، ۵ (۱): ۱۳۷-۱۵۸.
- جعفری مقدم، محسن . (۱۳۹۷). تبیین نهادی برنامه‌ریزی دولتی تأمین اجتماعی در ایران (۱۳۶۷-۱۳۹۲)، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۱۳ (۴۷): ۶۶-۹۷ .
- جلایی‌پور، سعیدی، حبیب‌پور گتایی، ک . (۱۳۹۱). تحلیل سیاست‌گذاری اجتماعی با لنز حکومت‌مندی . مطالعات جامعه‌شناختی. ۴۱: ۲۰۰-۱۶۷.
- حبیب‌پور گتایی، ک. (۱۳۹۶). سیاست اجتماعی به‌عنوان متن و گفتمان. مطالعات جامعه‌شناختی. ۲۰۵-۲۲۷.
- خالق‌پرست، ح، راسخ، م، نعیمی، ع . (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی تأمین اجتماعی ایران در پرتو اصول و الگوهای نظام تأمین اجتماعی مطلوب. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی . ۱۷ (۶۴): ۳۷-۹.
- رنانی، م . (۱۳۸۲). تأمین اجتماعی و دموکراسی . فصلنامه تأمین اجتماعی. ۵ (۱۳): ۲۲-۱۱.
- زاهدی مازندرانی، م . (۱۳۷۸). نظام‌های سنتی تأمین اجتماعی در ایران. فصلنامه تأمین اجتماعی. ۳: صص ۶۰-۲۳.
- سلیمی، م . (۱۳۹۰). رابطه میان بیمه‌های اجتماعی و رشد اقتصادی در ایران . پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد استاد راهنما التجائی . پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی پژوهشکده مطالعات تطبیقی اقتصاد.
- عراقی، س. (۱۳۸۶). درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه‌عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- غفاری، غ ، عزیزی‌مهر، خ. (۱۳۹۱). رویکرد نهادی و تحلیل سیاست‌های رفاهی در ایران معاصر . نشریه مطالعات جامعه‌شناختی . ۴۰: ۲۳-۵۶.
- غفاری، غ ، حبیب‌پور گتایی، ک. (۱۳۹۷). سیاست اجتماعی بنیان‌های مفهومی و نظری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاظمیان، م، مسکر پورامیری، م. (۱۳۹۱). ارزیابی وضعیت ترکیب تأمین مالی و ارائه مراقبت‌ها در نظام بیمه اجتماعی درمان در ایران. دانشور پزشکی.
- کریمی، م. (۱۳۹۴). زمینه‌های تاریخی پیدایش تأمین اجتماعی در ایران. فصلنامه تأمین اجتماعی، ۱۱ (۴۲، ۴۱): ۱۴-۹.

مدنی، س. (۱۳۸۲). چشم‌اندازهای فراوری تأمین اجتماعی در ایران. فصلنامه تأمین اجتماعی. ۵(۱۵): ۳۲۸-۲۸۹.

طالقانی، نوروز. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه مالی پژوهش تأمین اجتماعی.

نیلی، م.، سیدخسرو شاهی، ا.، ابراهیمی، س. (۱۳۹۱). تحلیل اقتصادی رابطه مستمری بازنشستگی و تصمیم در مورد زمان بازنشستگی. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی).

هزارجریبی، ج.، صفری شالی، رضا. (۱۳۹۴). بررسی گفتمان عدالت حاکم بر مقوله تأمین اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۲۳: ۲-۴۹.

هریس، ک. (۱۳۹۸). انقلاب اجتماعی، سیاست و دولت رفاه در ایران. م. فدایی تهران: شیرازه کتاب ما.

وحید، م.، لطفی، ا. (۱۳۹۶). تأسیس سیاست‌های تأمین اجتماعی در ایران (۱۳۲۰-۱۲۸۵). فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی. ۳(۴): ۱۴۹-۱۲۵.

یزدانی، ف. (۱۳۸۲). مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی و تأمین اجتماعی). فصلنامه رفاه اجتماعی ویژه‌نامه سیاست اجتماعی. ۱۰.

ILO. (2014). World Social Protection Report: Building economic recovery, inclusive development and social justice. Geneva:: International Labour Organization.

Mckay A. (2005). The Future of Social Security Policy. Rutledge;

Mushtaq, k., & Jomo, k. (2000). Rents, Rent seeking and economic development. cambridge.

Wiley, Journal of International Social Security Review from Sciences Direct by. (2017).

